



سال هفتم، شماره ۳، پیاپی ۲۴ پاییز ۱۴۰۳

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2783-4166

بررسی وجوه رمانتیک در مخزن الاسرار نظامی با توجه به صورخیال

دکتر رامین محرمی^۲   دکتر لیلا آذرنیوار^۱  

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۵۳ تا ص ۷۷)

 [10.22034/caat.2024.206496](https://doi.org/10.22034/caat.2024.206496)

چکیده

بنابر اعتقاد رمانتیس‌م‌ها جنبه‌هایی از هستی انسان، به‌ویژه جنبه‌هایی از زندگی درونی وجود دارد که کاملاً نادیده انگاشته شده‌است. به‌همین خاطر، سخنوران مکتب رمانتیس‌م در پی آفریدن آثار ادبی به یاری احساسات درونی درآمدند. از نظر شاعر رمانتیک، وظیفه شعر تنها تأثیرگذاری در مخاطب است، نه رساندن پیام، توضیح و آرایش اندیشه. با توجه به درون‌گرایی و تصویری بودن آثار نظامی، به‌ویژه مخزن الاسرار، وی را می‌توان شاعر سبک عراقی با مظاهر رمانتیک به حساب آورد. هدف و مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی وجوه و مختصات برجسته مکتب رمانتیس‌م در مخزن الاسرار نظامی است، تا نشان دهیم کدام وجوه مکتب رمانتیس‌م در مخزن الاسرار جلوه بیشتری دارد و زمینه بروز این وجوه چیست؟ در این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی، مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای، به تجزیه و تحلیل مخزن الاسرار، براساس وجوه و ابعاد رمانتیک پرداخته شد، ضمن بیان زمینه‌های اندیشه رمانتیک از قبیل؛ طبیعت‌گرایی، عشق، کشف و شهود... به بررسی این خصایص با تأکید بر صورخیال همچون تشبیه و استعاره... در مخزن الاسرار پرداخته شده‌است. نتیجه پژوهش گویای آن است که برخی وجوه رمانتیس‌م از جمله طبیعت‌گرایی، عشق، آزادی... در این اثر نمود دارد. در واقع نظامی با استفاده از عناصر طبیعت

^۱. دانشجوی دکتری دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول) // leilaazarnivar@yahoo.com

^۲. استاد دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. // moharami@uma.ac.ir



و خیال توانسته تصویرهای زنده‌ای را خلق کند. همچنین نظامی برای محو مرزهای میان انسان و طبیعت، اندیشه و شیء و محو مرز زبان و جهان واقعی به مانند رمانتیسم‌ها از استعاره با ظرفیت بالا استفاده کرده‌است. از این رو بسامد استعاره‌مکنیه، تشبیه و تشخیص در مخزن‌الاسرار بالا است. این نشان می‌دهد که مخزن‌الاسرار به مانند مکتب رمانتیسم تصویرگرا و درون‌نگر است.

کلید واژه‌ها: نظامی، مخزن‌الاسرار، رمانتیسم، طبیعت

۱- مقدمه

به لحاظ تاریخی، رمانتیسم نهضتی فرهنگی، فکری و اجتماعی است که نخست، اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ در اروپا ظاهر شد، بعد از آن فرهنگ و اندیشه دیگری مناطق جهان را تحت تأثیر قرارداد. رومانیک‌ها محدودیت سبک کلاسیک را نادیده می‌گیرند و بر پایه احساس و عاطفه فردی خود گام برمی‌دارند. این سبک هنری در واقع رودر روی افکار کلاسیک قرارداد. البته این مقابله ناشی از تغییرات اجتماعی آن دوران است؛ زیرا در نیمه اول قرن هجدهم طبقه اشراف و اصیل‌زادگان رفته‌رفته قدرت‌شان را از دست می‌دادند. بورژوازی در برابر فئودالیسم قد علم می‌کرد. این تغییر طبقاتی منجر به تغییر تفکر مردم شد (ر.ک؛ ثروت، ۱۳۸۵: ۴۹-۵۳). افراد بسیاری دوران رمانتیک را دوران گذر از عقل‌گرایی به احساسات و زیبایی می‌دانستند. در کل جنبش رمانتیسم تلاشی برای تحمیل الگویی زیباشناختی بر واقعیت و بیانی است که، همه چیز باید از قواعد هنر پیروی کند. «مکتب رومانتیسم در اروپا با خصوصیات نظیر طبیعت‌ستایی، احساس‌گرایی، غم و اندوه، تخیل، فردگرایی، عشق، کودکی، خاطرات گذشته و درهم شکستن ساختار کهن کلاسیک و ... همراه است» (محمدپور، ۱۳۹۴: ۱۲۲)، حقیقتی که از درون خود هنرمند، یعنی از ضعف و قوت، حب و بعض، شادی و غم درونی سرچشمه گرفته‌است.

نظامی از ارکان اصلی شعر فارسی است، که با ایجاد یا تکمیل سبک و روش خاص خود توانسته شعر را «با انتخاب الفاظ و کلمات مناسب، ایجاد ترکیبات خاص، ابداع معانی و مضامین نو و دلپسند، تصویر جزئیات و نیروی تخیل» (صفا، ۱۳۷۹: ۳۵۸) به اوج برساند. وی بخاطر «یافتن معانی و مضامین جدید گاه چنان در اوهام و خیالات غرق شده یا برای ابداع ترکیبات جدید گاه چندان با کلمات بازی کرده که خواننده آثار او باید به زحمت و با اشکال، بعضی ابیات وی را درک کند.» (همان) برای مثال معراجنامه، نوعی نوآوری در عصر او است. نظامی صحنه معراج را بدون توجه به هیچ قیدوبند با چنان مهارتی تصویر و ذهن خواننده را به چالش کشیده‌است.

خوشه ز سنبل تر ساخته سنبله را بر اسد انداخته

تا شب او را چه قدر قدر هست زهره شب‌سنج ترازو بدست

(مخزن‌الاسرار، ۱۳۲۰: ۱۵)



علاوه بر این‌ها نظامی، نازک‌خیال و باریک‌اندیش است. نگاه نافذ او جزئیات ناشناخته‌یی را در مظاهر طبیعت کشف می‌کند. زبان و ذهن تصویرساز او به آن‌ها رنگ و حیات می‌داد، آنگاه قافیه می‌آمد و به این ناشناخته‌ها بال و پری برای پرواز می‌داد.» (انزایی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۵). به زعم زرین کوب «نظامی طرز غریبی در شعر داشت که علاوه بر تازگی اندیشه باعث زیبایی زبانش نی می‌شد. زبانی پرمایه، خوش‌آهنگ و سرشار از تصویرهای خیال‌انگیز، تشبیه، مجاز و به‌خصوص استعاره دارد» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۲۲۳). تخیل خلاق او به اجزای شعرش تعادل بخشیده است. یکی از برجسته‌ترین آثار نظامی مخزن الاسرار است که با بهره‌گیری از فابل و سایر حکایات، وصف دل، موردذهنی، انتزاعی و توصیفات بدیع آن را به سبک عراقی سروده است. سبکی که موضوعاتی در ستایش عشق، غلو و مبالغه، رواج عرفان، تفکر غنایی، غم‌گرایی، فراق، آرمان‌گرایی، ذهنیت همچنین توجه به دنیای درون و تخیل مطرح می‌شود.

«درونمایه مخزن الاسرار مواعظ اخلاقی و نصایح دینی همرا با عقاید عرفانی و به تعبیری، جهان‌بینی اجتماعی و فلسفی شاعر است» (انزایی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۴) که «از یک‌سو به عرفان و سخن معنوی والا و از سوی دیگر به ماهیت شعر و وضع شاعری و بحث الفاظ توجه کرده است. نظامی هرچند عارف در معنی خاص نیست، اما شاعر مداح در معنی مرسوم که اهل مدح، هجو، تقاضا و طلب باشد هم نیست و از این‌رو سخنان او را می‌توان تجربه فردی شاعر بزرگ قلمداد کرد» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۰). حال با توجه به ویژگی‌های مخزن الاسرار سؤالی به ذهن می‌رسد؛ که آیا مخزن الاسرار با مؤلفه‌های مکتب رمانتیسم همانندی‌هایی دارد؟ یا کدام وجوه رمانتیسم در این اثر بازتاب دارد؟ البته نباید فراموش کرد که سیر تاریخی ادبیات فارسی از بسیاری جهات با ادبیات غرب تفاوت دارد، پس نمی‌توان تمام مفاهیم و اصطلاحات خاص ادبیات اروپایی برای مثال مظاهر مکتب رمانتیسم را دقیقاً در مخزن الاسرار به کاربرد. شاید این اثر همانندی‌هایی با رمانتیسم داشته باشد و برخی وجوه رمانتیسم را می‌توان مشاهده کرد ولی این به معنی همسانی کامل نیست.

۱-۱- پیشینه پژوهش

نظامی از جمله شاعران بزرگی است که شهرت جهانی دارد. به همین دلیل ما شاهد پژوهش‌های متعددی بر اساس رویکردها و نظریه‌های مختلف در قالب کتاب، پایان‌نامه، مقاله و طرح‌های پژوهشی به خصوص در مورد مخزن الاسرار هستیم که، حتی اشاره به عنوان آن‌ها از حوصله این بحث خارج است، اما از بین پژوهش‌های موجود که به بررسی مخزن الاسرار پرداخته‌اند به چند مورد اشاره می‌کنیم.

مقاله «تحلیلی بر شیوه‌های عرفانی روان‌درمانی در مخزن الاسرار نظامی» (۱۳۹۸) نوشته قربانعلی ابراهیمی و عطا محمود رادمنش، نگارندگان در این پژوهش ضمن معرفی نظامی به بررسی بیت‌های آن پرداخته و آن را منبعی برای روان‌درمانی معرفی کرده‌اند که شعرهای آن می‌تواند باعث تغییر و تحولاتی در روحیه انسان‌ها شود. «



فراشعر در مخزن الاسرار نظامی» (۱۳۸۹) از ابراهیم استاجی، در این مقاله ابتدا فراشعرهای نظامی استخراج و طبق نظریه‌های ادبی مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل فرایند بسط معنایی گفتمان در مخزن الاسرار نظامی (با تکیه بر نظریه روش‌سازی معنایی ونسان ژوو)» (۱۴۰۰) از فضل‌الله خدادادی، هدف این مقاله تحلیل فرایند بسط و اثبات معنا در گفتمان، مخزن الاسرار است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که نظامی در مخزن الاسرار در هر مقاله ابتدا اطلاعاتی کلی در یک گفتمان با فضای خاص می‌آورد، سپس با محدود کردن دامنه کلام، سخن خود را به حکایتی متصل می‌کند که مضمون آن با ارزیابی یک شخصیت داستانی، مؤید و بسط‌دهنده معنا و مضمون گفتمان در آن مقاله است.

۱-۲- روش پژوهش

در پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی وجوه رمانتیک در مخزن الاسرار نظامی با توجه به صورخیال پرداخته شده است. ابتدا کتاب‌هایی در مورد رمانتیسم مطالعه شد، سپس کتاب مخزن الاسرار براساس رمانتیسم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مطالب در دو بُعد فکری و بلاغی طبقه‌بندی شد. در نهایت با شمارش استعاره‌ها و تشبیه‌ها و ... بسامد آن‌ها و آمار به دست آمد.

۲- مکتب رمانتیسم و ویژگی‌های آن

رمانتیسم از رمانتیک مشتق شده است. «کلمه رمانتیک که از قرن هفدهم در انگلستان در مورد تعبیرات شاعرانه به کار می‌رفت از سال ۱۶۷۶ وارد فرانسه شد. مدت زیادی مترادف با Pittoresque (خیال‌انگیز) و Romanesque (افسلنه‌ای) بکار برده می‌شد و تا سال ۱۷۷۵ به معنی امروزی به کار نرفت. رومانتیسم (Romanticism) جنبش هنری، ادبی و فکری در پایان سده هجدهم در اروپا بود که بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۸۵۰ به اوج خود رسید.» (ر.ک، ثروت، ۱۳۸۵: ۴۹)

رومانتیک‌ها پای‌بند جلال، رنگ و منظره، به صورت‌های مختلف حوادث و تضادها توجه دارند. به جای توسل به زبان شعر منظم و یکنواختی، ترجیح می‌دهند اشعاری بگویند که بیشتر شبیه نثر چه از لحاظ آهنگ و چه از نظر مضمون، تصویری و متنوع باشد (ر.ک؛ سیدحسینی، ۱۳۷۱: ۱۷۹). آن‌ها می‌خواستند راز اشیاء را با توسل به دریافت‌های شخصی خویش را بیان و معنای آن‌ها را نشان دهند. «برای این کار به ذهن منطقی توسل نمی‌جویند، بلکه به ذات کمالی عواطف و احساسات خویش پناه می‌برند. این کار را تنها با نمایش تجربه‌های تخیلی و شخصی



می‌توان انجام داد» (فتوحی، ۱۳۹۷: ۱۲۴). شلگل^۱ (۱۷۷۲-۰۳) از پیشوایان رمانتیسم آلمان می‌گوید: «ذوق رمانتیک پای‌بند نزدیکی مدام امور بسیار متضاد است. در سبک رمانتیسم طبیعت و هنر، شعر و نثر جدّ و هزل، خاطره و پیشگویی، عقاید مبهم، احساسات زنده، آنچه آسمانی و آنچه زمینی است، بالاخره زندگی و مرگ در هم می‌آمیزند» (سیدحسینی، ۱۳۷۱: ۱۷۸). هنرمند رمانتیسم خود را از قواعد خشک آزاد و فرمانروایی را به دست می‌گیرد و حقیقتی از درونش را بیان می‌کند. گاهی هم فطرت خود را مخاطب اصلی قرار می‌دهد. «شلینگ معتقد است که رمانتیسم به راستی جنگلی وحشی هزارتویی است که تنها ریسمان راهنما در آن، اراده و احوال شاعر است و بس» (برلین، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

مهم‌ترین موضوعاتی که رمانتیک‌ها در آثارشان به آن توجه کرده‌اند، به قرار زیر است:

۱-۲- طبیعت و بازگشت به طبیعت

در مکتب رمانتیسم نگرش به طبیعت متنوع است. «نگرش مکانیکی، نگرش زیست‌شناختی، نگرش اورگانیک و فیزیکی (با استفاده از انواع استعارات) ... مادر دهر، افسار طبیعت که نباید خود را از قید آن رها کنیم. حتی هیوم (۱۷۷۶-۱۷۱۱)^۲ که کمتر از همه متفکران ماوراء طبیعی بود، اعتقاد داشت، وقتی آدمی از حال خود خارج می‌شود؛ یعنی اندوهگین یا دیوانه می‌شود در طبیعت حضور خود را آشکار می‌کند» (همان، ۱۳۰). به نوعی طبیعت رمانتیک‌ها، طبیعت جغرافیایی نیست که قابل اندازه‌گیری باشد بلکه این طبیعت می‌تواند دوستی صمیمی باشد که انسان در هنگام سختی‌ها و مصیبت‌ها به آن پناه می‌برد. از نظر آن‌ها طبیعت همه چیز را از زندگی‌های گوناگون، خطوط و اشکال و تصاویر مختلف در تمام ساعات روز و در همه فصول سال به او عرضه می‌کند. «شاعر با شناسائی که از آن دارد و مدت‌های دراز در دامان طبیعت تفرّج می‌کند. آوایش را به گوش هوش می‌شنود که با او سخن می‌گوید. اسرار مگوی آن از ورای ظواهر بر روح عارفانه شاعر مکشوف می‌گردد» (تیرژم، ۱۳۷۰: ۶۳)؛ زیرا تنها در دامان طبیعت است که «دلپذیری، غم‌زدگی، اضطراب و عشق، محیط مناسب و پناهگاه امن می‌یابند. گوئی با دیدگانی تازه، طبیعت از نو کشف و به عبارت بهتر، از راه قلب احساس می‌شود و هنرمندان به دقت و اغلب بدون مهارت آن را توصیف می‌کنند.» (همان، ۱۷)

۲-۲- عشق

هنرمند رمانتیک برای خواهش‌ها و احتیاجات روح خود اهمیت بسیار قائل است در واقع از نظر آن‌ها، «آنچه به هنرمند الهام می‌بخشد، معنی و مفهوم زندگی شمرده می‌شود، عشق و علاقه است» (سیدحسینی، ۱۳۷۱: ۱۸۰) همچنین آن‌ها معتقدند؛ خداوند انسان را به خاطر عشق آفریده و زندگی انسان بدون آن ارزشی ندارد. البته این

^۱ Karl Wilhelm Friedrich Schlegels
^۲ David Hume



عشق مفهوم بسیار وسیعی دارد که عشق به مردم و همه مخلوقات از جماد، نبات و حیوان گرفته تا عشق مادر به فرزند را هم در برمی‌گیرد.

۳-۲- آزادی

رمانتیسم، مکتب آزادی‌خواهی در هنر است. از شعارهای پیروان این مکتب، آزادی اندیشه و آزادی بیان است. سال ۱۸۳۰ آزادی، نوعی انقلاب ادبی است. این سال ویکتور هوگو و رفقاییش به پیروی از دستورهائی که قبلاً در مجله خودشان درج شده بود، رمانتیسم را به عنوان مکتب آزادی هنر و شخصیت معرفی کردند (ر.ک؛ سیدحسینی، ۱۳۷۱: ۱۸۰). «شیلر هم نه تنها در رسالات فلسفی در نمایشنامه‌هایش، پیوسته از آزادی معنوی حرف می‌زند: آزادی خرد، قلمرو آزادی، آزادی درونی، آزادی ذهن، آزادی اخلاق، شعور آزاد. آزادی مقدس.» (برلین، ۱۳۸۵: ۱۳۴) درحقیقت «حمایت از رمانتیسم حمایت از آزادی است» (تیژم، ۱۳۷۰: ۳۷).

۲-۴- تکیه بر ضمیر ناآگاه (درون‌نگری)

ادبیات رمانتیسم به ضمیر ناآگاه توجه دارد و درون‌نگر است. «نخست عکس‌العمل و سپس پیروزی ضمیر ناخودآگاه را ارائه می‌کند، ابتدا ضمیر معقول و آگاه را به مبارزه می‌خواند، سپس از پای درمی‌آید» (ثروت، ۱۳۸۵: ۸۲). در این مواقع است که شاعر عواطف شخصی خود را بروز می‌دهد. در واقع «نویسنده رمانتیک به جای تعادل فکر و احساسی که بر نویسنده کلاسیک و ذهن آگاه مفهوم است و وی در آن جز کسالت و ملالت و بی‌روحویی باز نمی‌یابد، احساس بی‌کرا و جذبه ناگهانی را قرار می‌دهد که کلیه حرکات و قوای ناب زندگی یعنی لحظه‌عالی و سحرآسای آن را توجیه می‌کند» (پریستلی، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

۲-۵- هیجان و احساسات

باید دانست که در «کنار عقل و طبیعت، دل و احساس نیز عالم دیگر و ضروریات دیگر دارد.» (سیدحسینی، ۱۳۷۸: ۱۸۰) چون احساس، بیش از اندیشه نفوذ دارد و آرزو بیش از حقیقت مؤثر است. دل باید بی‌قیدوبند سخن گوید و فرمان براند. در مکتب رمانتیسم ابراز احساسات و هیجان یک اصل است. به عقیده آنان، عقل و منطق در هنر جایی ندارد و این احساس است که بر روح بشر تسلط دارد. باید احساسات و هوس‌های روح را در محدوده رعایت مسائل اخلاقی بیان کرد.

۲-۶- کشف و شهود

سرگرمی با جلال و زیبایی مانع این نیست که هنرمند رمانتیک به فکر کشف اسرار باشد و بخواهد در همه اسرار جهان نفوذ کند. «هنرمند رمانتیک تخیل، امید، آرزو و معجزه را جانشین حقیقت می‌سازد و پیش از تقلید



پای‌بند تصوّر است. هنر خود را با مبالغه می‌آمیزد؛ یعنی آنچه هست را نمی‌گوید بلکه از آنچه باید باشد بحث می‌کند. او از طریق کاوش در ذهن خود به دنبال کشف ناشناخته‌هاست» (همان).

۳- مظاهر مکتب رمانتیسم در مخزن الاسرار

مختصات مکتب رمانتیسم در مخزن الاسرار را می‌توان به دو دسته، ۱- وجوه فکری ۲- وجوه بلاغی طبقه‌بندی کرد.

۳-۱- وجوه فکری: در این وجه، طبیعت‌گرایی، عشق، کشف و شهود و... بررسی می‌شود.

۳-۱-۱- طبیعت‌گرایی

نظامی همچون رمانتیک‌ها عاشق طبیعت است. نظامی در مخزن الاسرار با طبیعت و هر آنچه در طبیعت است، پیوند برقرار می‌کند. به گونه‌ای که در بیت به بیت شعرش جلوه‌های مختلف طبیعت واضح و قابل مشاهده است. برای ارائه فضا و صورخیال شعرش از عناصر طبیعت استفاده می‌کند. در واقع طبیعت برای او در حکم موجود زنده‌ای است که با آن حالات درونی خود را بیان می‌کند.

آب صفت باش و سبکتر بران کآب سبک هست به قیمت گران

(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۳۸)

نان خورش از سینه خود کن چو آب و ز دل خود ساز چو آتش کباب

(همان، ۹۷)

بر سر آن روضه چون جان پاک خیزم چون باد و نشینم چو خاک

(همان، ۳۱)

آتش طبع تو چو کافور خورد مشک ترا طبع چو کافور کرد

(همان، ۹۸)

از عناصر طبیعت برای زیباتر ساختن کلام، بیان و انتقال اندیشه‌های خود به خواننده استفاده کرده‌است. تصاویری به وسیله آب، گل، گیاه، دشت، صحرا و... که عموم مردم هر روز با آن روبرو هستند اما توجهی به آن ندارند، خلق می‌کند. به نوعی مخزن الاسرار بیانگر همدلی و یگانگی انسان با طبیعت است. نظامی طبیعت را توصیف نمی‌کند بلکه درک درون‌گرایانه‌ای از آن ارائه و با احساس خود اشیاء و پدیده‌ها را تعبیر می‌کند.

خار نه کواج گرائی کنی به که چو گل بی‌سرو پایی کنی

(همان، ۱۴۶)

بدین طریق ذهن مخاطبان را با تصاویر نو و بکر خود آشنا می‌سازد. طبیعت در اشعار او از دو چشم‌انداز قابل

بررسی است؛ از یک طرف اجزاء و عناصر طبیعت مثل ماه، شب، ستاره، ابر، صبح، سنگ، گل، درخت، سنگ.



گندم‌گون گشته ادیمش و کاه یافته جو دانه و کیمخت ماه
(همان، ۷۳)

به عبارتی «نظامی از خداوندگاران توصیف در پهنه ادب فارسی است که همه امور و پدیدارهای ممکن را وصف می‌کند: از قبیل؛ زیبایی جسمانی، حالات و حرکات لندام یا زشتی‌ها، انواع مناظر طبیعی، بناهای گوناگون از کاخ‌های برکشیده و دلفریب، جانوان و حتی اساطیر...» (حمیدیان، ۱۳۸۸: ۵۱۱).

چون گوهر عقد فلک دانه کرد جعد شب از گرد عدم شانه کرد
(مخزن‌الاسرار، ۱۳۲۰: ۴)

سام که سیمرغ پسر گیر داشت بود جوان گر چه پسر پیر داشت
(همان، ۸۴)

از طرف دیگر طبیعت با درون او پیوندخورده، شاعر دردهای روحی و ذهنیت خود را با بهره‌گیری از طبیعت به تصویر می‌کشد. همان‌طور که طبیعت برای هوگو پایان‌ناپذیر، متنوع، سرچشمه الهام و سیراب‌کننده دل و جان بود. شاعر نیز طبیعت را همان‌گونه وصف و به آن نظاره و از آن با چشمی تیزبین و نگاهی خطاناپذیر یاد می‌کند (ر، ک؛ تیزم، ۱۳۷۰: ۶۳).

نظامی مانند شاعران رمانتیک، جهان را بازنمایی و با آن همدلی و شبیهی بر آن می‌آفریند. بیشتر شعرها خود را به نمادهایی از طبیعت تشبیه می‌کند.

لاله دل خویش به جانم سپرد گل کمر خود به میانم سپرد
گه چو می آلوده به خون آمدم گه چو گل از پورده برون آمدم
(مخزن‌الاسرار، ۱۳۲۰: ۵۴)

رمانتیک‌ها «احساسات درونی و ادبیات روانی خود را در طبیعت می‌ریزند و جراحت روح را با انتقال آن به طبیعت التیام می‌بخشند، طبیعت برای هنرمند در حکم الگوی نقاشی نیست، بلکه رابطه او با طبیعت نزدیک‌تر و عمیق‌تر و توأم با احساسات می‌شود. رمانتیک‌ها به جای توصیف دقیق طبیعت بیرونی می‌کوشیدند تا حالات و روحیات درونی خود را در طبیعت کشف کنند» (فتوحی، ۱۳۹۷: ۱۲۳)؛ همچنین عناصر طبیعت در قالب اصلی خودشان نیز غالباً با صفاتی به کار می‌روند که دربردارنده مفاهیمی، چون حسرت، نومییدی و اندوه است. مثل زمانی که نظامی از بی‌وفایی دنیا حرف می‌زند.

روزخوش عمر به شب خوش رسید خاک به باد آب به آتش رسید
صبح برآمد چه شوی مست‌خواب از سر دیوار گذشت آفتاب
(مخزن‌الاسرار، ۱۳۲۰: ۹۶)

او در تصویر جزئیات طبیعت و حالات، بسیار توانمند است، طوری که خواننده با خواندن هر بیت، صحنه توصیف شده را در ذهن خود مجسم می‌کند. «نظامی در اکثر اشعار مخزن‌الاسرار از طبیعت و عناصر طبیعی از قبیل؛ «۱-



طبیعت بی‌روح: الف-زمینی. ب-فلکی. ۲-طبیعت زنده: الف-نبات «شامل گل‌ها، درختان، میوه‌ها و رستنی‌های دیگر، ب- حیوان ج- انسان، شامل. «انسان، اعضا و اندام، نفسانیات، مصنوعات بنا و ساختمان، حرف، خط، جمله، نقطه، نقش و نگار، بزم، سنگ‌های قیمتی، پری، ابلیس، بهشت و دوزخ» (زنجانی، ۱۳۷۷: ۸۵)، برای بیان احساس و ذهنیت خود مدد جسته به نوعی از طبیعت زنده و واقعی فاصله می‌گیرد و به سوی طبیعت ذهنی می‌رود؛ یعنی مواد و مصالح شعری خود را از طبیعت عینی اخذ می‌کند. مثل گل، گیاه، زلف، خال، جام، بهار و شب و روز، اما این‌ها را معمولاً در معانی مجازی و ثانوی به صورت توصیف به کار می‌برد و با عواطف لطیف خود همه چیز را زنده و با روح می‌بیند و از منظری دیگر به آن‌ها نگاه می‌کند. مثل توصیف شب یا آفتاب

چون سپر انداختن آفتاب	گشت زمین را سپر افکن بر آب
طفل شب آهیخت چو در دایه دست	زنگله روز فرا پاش بست

(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۴۸)

۳-۱-۲- عشق

نظامی از جمله شاعرانی است که کم‌وبیش عشق و مفاهیم و تجلیات آن، در همه آثار او منعکس شده است. عشق در خمسه نظامی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: «۱- عشق مادری ۲- عشق جسمانی (طبیعی) ۳- عشق عرفانی ۴- عشق عذری» (مدی، ۱۳۷۱: ۱۶۵).

بسامد کلمه «عشق» در مخزن الاسرار ۱۳، «عاشق» ۴ و «دل» چه به تنهایی چه به صورت ترکیبی ۱۰۵ مرتبه است. عشقی که نظامی در مخزن الاسرار از آن یاد می‌کند با تمام عشق‌های او تفاوت بنیادین دارد. «این عشق ناشی از شناخت خود او و خالی از هواهای نفسانی است، به او چنان قدرتی می‌بخشد که به آفرینش هنری بدیع و ماندگار دست می‌زند.» (فلاح و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۵) در خسرو و شیرین در مورد عشق بیان می‌کند.

مراکز عشق نیاید به شعاری	مبادا تا زیم جز عشق کاری
فلک جز عشق محرابی ندارد	جهان بی‌خاک عشق آبی ندارد

(خسرو شیرین، ۱۳۸۶: ۳۳)

از نظر نظامی عشق اساس هستی است «در رأس همه پدیده‌ها و مخلوقات و وجود انسان تجلی می‌یابد. جنبش و جوشش زمین، زمینیان، افلاک، شور و حال عارفان، صاحب‌دلان و اسرار و رموز رازداران را در سایه عشق می‌داند که به موجودات آبرو و اعتبار می‌بخشد.» (ناصری، ۱۳۸۴: ۱۶۹) این عشق در پی نفس و رسیدن به وصال شخص خاصی نیست، «به دنبال وصال با حقیقت است. صاحب چنان چشم و دیدگاهی می‌شود که طبیعت و اجزای آن را تمام و کمال در خدمت خویش می‌یابد. دقیقاً از اولین زمان‌های فاصله گرفتن از این وصال با حق و حقیقت، طبیعت زیبای مورد توصیفش را بزرگترین دشمن وصال و رفاه حال خود می‌یابد. این امر نشان می‌دهد که شاعر در فاصله کوتاهی که به فیض ناشی از عشق حقیقی دست می‌یابد. به شعور و آگاهی جسمی و



فکری نیز می‌رسد و از دست‌رفتن چنان وصالی را مایهٔ بدحالی خود می‌شمارد و مدام در آرزوی رسیدن به چنان عشق و معشوقی است» (فلاح‌وهمکاران، ۱۳۸۸: ۵۵).

چون که در آن نقب، زبانم گرفت
عشق نقیبانه عنانم گرفت
حلقه زدم گفت بدین وقت کیست
گفتم اگر بار دهی آدمی است
(مخزن‌الاسرار، ۱۳۲۰: ۵۰)

نظامی « با توجه به دل، خلوت، ریاضت و سیر مراتب و مقامات یقین و سلوک و نائل آمدن به احوالات عشق و معرفت به کشف و شهود رسیده است» (ناصری، ۱۳۸۴: ۱۶۷)، عشق در مخزن‌الاسرار نشان‌دهنده جنبهٔ عرفانی، اخلاقی و راز و رمزهای معنوی و روحانی شاعر است، که با قدرت ابداع و زیبایی کلام بیان کرده است. در حقیقت از نظر او عشق یک حقیقت ساری و جاری در سراسر جهان هستی و در تمام پدیده‌های عالم که برای هر موجودی یک صفت نهادی و ذاتی است.

خوب خطی عشق نبشت آمده
چون گلی از باغ بهشت آمده
(مخزن‌الاسرار، ۱۳۲۰: ۷۲)

از «عشق زمینی به عشق روحانی و الهی نایل گشته است و کمترین هنر عشق را ترک منیت و خودخواهی انسان می‌داند که با رهایی از خود، با دیدار معشوق فاصله‌ای ندارد.» (ناصری، ۱۳۸۴: ۱۶۹) در راه عشق معشوق، ذکر و دم عارفانه می‌زند و نگرهبانی کوی او را عهده‌دار شده اظهار شادی و سرور می‌کند.

در ره عشقت نفسی می‌زنم
بر سر کویت جرسی می‌زنم
(مخزن‌الاسرار، ۱۳۲۰: ۳۶)

در مخزن‌الاسرار به جنبهٔ جسمانی معشوق اشاره نشده، معشوق او همان معشوق دست نیافتنی و الهی است.

گرچه پر عشق تو غایت نداشت
راه ابد نیز نهایت نداشت
(همان، ۱۲۱)

موضوع دیگر مرتبط با عشق و «یکی از رازگونه‌ترین آفریدگان خدا در وجود آدمی، عضوی است که به آن قلب یا دل می‌گویند. این پاره گوشت صنوبری در فرهنگ و ادبی فارسی ما به صورت‌های گوناگون توصیف شده است. زیباترین معنی دل را از زبان صاحب‌دلان شیرین کلام سرزمین خود می‌شنویم: دل لطیفهٔ ربّانی، روحانی و آن حقیقت انسان است که مدرک عالم، عارف و عاشق است» (موحد، ۱۳۶۷: ۲۰). فیلسوفان و عرفا نیز دربارهٔ دل و جایگاه آن در شخصیت انسان و جهان هستی سخن گفته‌اند. «دل، عضوی از وجود انسان که مرکز آگاهی و اشعار انسان به همه هستی و آفرینش خویش است. بر این اساس، اعتلای بسیاری از شخصیت‌های اسلامی و ایرانی منحصرأ وابسته به دل آنان است» (فلاح‌وهمکاران، ۱۳۸۸: ۵۰).

نظامی نیز به دل توجه زیادی دارد. درحقیقت از موضوع‌ها و مفاهیم اساسی شعرهای اوست. مخزن‌الاسرار که در جوانی و ابتدای شاعری وی سروده شده «صدای انعکاس «دل» در گوش جان نظامی و دیدگاه جدید پرشوری



است که در چشم او گشوده می‌شود، طبیعت را با این دید عارفانه - عاشقانه می‌نگرد» (همان، ۵۴). هنرمندانه بین دل، زمین و عناصر زمینی پیوند برقرار می‌کند، پس از توصیف جسمانی دل، رابطه روح و دل حقیقی را با وجود جسمانی انسان توصیف می‌کند. «این توصیف‌ها نشان می‌دهد که هیچ رابطه منطقی و عقلانی بین دل و عشق حقیقی با وجود جسمانی انسان وجود ندارد و برای به دست آوردن آن، انسان باید نیروی قلب خود را تقویت کند، از تمام امکانات بشری برای دست‌یابی به معنویت و برتری بهره‌جوید» (همان: ۵۶).

دورشــو از راهزندان حــواس	راه تو دل داند، دل را شناس
عرش روانی که زتن رسته‌اند	شهر جبریل به دل بسته‌اند
دل اگر این مهره آب و گل است	خر هم از اقبال تو صاحب دل است

(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۴۷-۴۸)

در حقیقت نظامی از طریق عشق، وارد دنیای حقیقی «دل» می‌گردد با کمک آن به جهانی قدم می‌گذارد، به شیوه‌ای بسیار متفاوت و بدیع از زیبایی‌های طبیعت سخن می‌گوید. این نوع استعاره‌ها و توصیف‌های نظامی به مدد «عشق» حاصل می‌شود.

چون ملک‌العرش جهان آفرید	مملکت صورت و جان آفرید
داد به ترتیب ادب ریزشی	صورت و جان را به هم آمیزشی
زین دو هم آغوش دل آمد پدید	آن خلفی کوبه خلافت رسید

(همان، ۵۰)

بنابر اعتقاد وی، خداوند صورت و جان را با هم عقد زوجیت بست. به نوعی او خلقت پیکر و قالب انسان را مقدمه‌ای برای خلقت دل می‌داند. از نظر وی توجه آدمی به سویدای دل و پرورش آن در حقیقت اولین آمادگی برای عزیمت انسان به سوی شناخت خداوند است.

خاک تو آن روز که می‌بیختند	از پی معجون دل آمیختند
----------------------------	------------------------

(همان، ۱۲۰)

«دل» در مخزن الاسرار، الهی است. نظامی در همه منظومه‌های خود دل را به عنوان کانونی معرفی می‌کند که نظرگاه پروردگار و جایگاه حقیقت حقایق است. بارگاهی که وقتی وارد این قصر می‌شود. دل را صدرنشین این قصر و خانه می‌بیند و کارکنان هفتگانه دل که قلب صنوبری، شش، جگر، زهره، سپرز، معده و گرده است را به گونه‌ای زیبا به تصویر می‌کشد.

در نفس‌آباد دم نیم‌سوز	صدرنشین گشته شه نیمروز
سرخ‌سواری به ادب پیش او	لعل قبایبی ظفراندیش او...

(همان، ۵۰)



با توجه به اینکه نظامی شاعری طبیعت‌گرا است و با توصیفات زیبایی که از طبیعت ارائه می‌دهد به نوعی توانسته رابطه‌ای عاشقانه بین دل و طبیعت ایجاد کند. این رابطه عاشقانه (دل و طبیعت) باعث رهایی شاعر از علایق و وابستگی‌های جسمانی می‌شود. در جای دیگر نظامی اعتراف می‌کند که ارتباط دور از طاقت نفسانی و جسمانی وی، در واقع تجلی ضیافتی بود که دل برای او تدارک می‌بیند.

نزل فرستنده زمان تا زمان تن به تن و دل به دل و جان به جان

(همان، ۶۴)

درک این مشاهدات، ذوقیات و تجلیات، موقوف به مرور زمان نیست، بلکه به یک لحظه روشن شدن دل است. برای نمونه در ثمره خلوت دوم به زیبایی، وصال میان عاشق و معشوق را بیان می‌کند. در این ثمره ضمن توصیف مزاحمت‌ها و عوامل طبیعی، برای پایان نیافتن مقطعی از عیش و خوشی، زمان وصال را بلند و آن را با انواع اسباب طبیعی طولانی نشان می‌دهد. در این بزم است که دل شاعر از فیض نگاه‌های معشوق، به آب حیات و جاودانگی دست می‌یابد. معشوق با زیباترین حالتی بر شاعر جلوه می‌کند و کلام او را در توصیف خود با استعاره‌ها و تشبیه‌ها می‌آراید. وقتی صبح می‌شود و آن چنان شبی با وصال هم چون معشوقی از کف شاعر می‌رود، شاعر به طلوع خورشید و آغاز صبح و روشنی گرفتار می‌شود و آن را ملال جان خود می‌شمارد. (ر، ک؛ وحید دستگردی، ۱۳۲۰: ۶۸-۶۹)

۳-۱-۳- ضمیر ناآگاه (درون‌نگری)

شعر نظامی به دلیل ماهیت رمزگونه و سمبلیکی و همچنین استعمال زیاد استعاره، می‌توان گفت که شعرهای او غالباً ریشه در ضمیر ناآگاه دارد. لحظاتی که شاعر غریبانه در خودش فرومی‌رود، فرصتی دست می‌دهد تا احساسات و عواطف شخصی را بیشتر بروز دهد. پای ظاهری شاعر در خاک، دست معنی و مضمون او در افلاک است. سر فکرت را به زیر انداخته، در حال مراقبه و مکاشفه است. از دلایلی که باعث درون‌گرایی این است که هیچ‌کس را همراه خود نمی‌بیند، در این تنهایی چاره‌ای جز پناه‌بردن به درون خود ندارد.

من که در این دایره دهر بند / چون گره نقطه شدم شهر بند
فرق به زیر قدم انداختم / و ز سر زانو قدمی ساختم

(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۳۲)

۳-۱-۴- هیجان و احساسات

با توجه به مطالبی که در مورد احساس و هیجان گفته شد شاعر رمانتیک می‌کوشد «تا موضوع و محتوای عاطفی و احساسی را در شکل و صورتی تخیلی و خلاقانه به تصویر درآورد» (فورست، ۱۳۸۰: ۲۰). این احساس منبع بسیاری از اشعار و موضوعات آن می‌شود در مخزن الاسرار نیز این ویژگی تاحدی نمود پیدامی‌کند. شاعر غرق در



رؤیای خود، همچون رمانتیک‌ها لندوهش از دیدن گذر بی‌رحمانهٔ زمان شدت می‌یابد؛ این لندوه، زاییدهٔ توقعات تسکین‌ناپذیر قلبی است که در جهان بی‌احساس و بی‌ایمان گرفتار شده‌است.

ما که به خود دست برافشانده‌ایم بر سر خاکی چه فرومانده‌ایم
(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۱۷۸)

نظامی با استفاده از ساختار کنایه می‌گوید؛ با وجودی که خودی خود یعنی وجود مادی را ترک کرده‌ایم، پس چرا باز گرفتار این جهان مادی هستیم. غم و لندوه گاه از هجران معشوق، دوری از وطن و مرگ عزیزان، گاه نیز از ناکامی‌ها، شکست‌ها و یا غم افراد جامعه و دیگران ناشی می‌شود.

نظامی غم و اندوه خود از گذر عمر و وابستگی به جهان مادی را با زبانی صمیمی و دلنشین بیان می‌کند.

عمر همه رفت نه به پس گستریم قافله از قافله واپس‌تریم
بر پر از این دام که خونخواره‌ایست زیرکی از بهر چنین چاره‌ایست
(همان، ۱۷۹)

ناراحت است که عمر سپری شده و مانند بوتهٔ خار عقب مانده. خواهان آن است که از دست این عالم مادی باید خود را نجات داد. برای بیان احساسات خود همهٔ امکانات تصویری را به کار می‌گیرد و به تصویرپردازی می‌پردازد. از دنیا و اهل آن شاکی است.

نام کرم ساخته مشتکی زبان اسم وفا بندگی رایگان
گفته سخا را قدری ریشخند خوانده سخن را طرفی لورکند
(همان، ۱۸۰)

نکته دیگر، «در شعر رمانتیک احساسات، فردی و شخصی است. شاعر چنان در بند «من» شخصی خود گرفتار شده‌است که نمی‌تواند هیچ چیز را خارج از چارچوب تنگ خود تصور کند» (محمدپور، ۱۳۹۴: ۱۲۹) و از این طریق «خواننده را با عشق، علاقه و دلتنگی، اضطراب و به طور کلی با احساس درونی خود آشنا می‌کند و اوضاع و احوال روحی خود را مانند درد دلی برای خوانندهٔ خود بیان می‌کند و سبب برانگیختن احساسات او می‌شود» (سیدحسینی، ۱۳۷۱: ۱۸۰).

با تر و خشک مرا نیست کار دانه ز من پرورش از کردگار
آب من اینک عرق پشت من بیل من اینک سر انگشت من
(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۹۰)

در واقع «هنرمند رمانتیک به یاری فرمانروای «من» در هنر، خواهش‌ها و رنج‌های دل و روح خود را بیان می‌کند. این روش را نباید دلیل خودستایی او و فرار از بشریت دانست؛ او به جای الگو قراردادن قهرمان افسانه‌ای یا اسطوره‌ای خود را نمونهٔ هم‌نوعانش می‌داند.» (ثروت، ۱۳۸۵: ۹۰)



نیست غم ملک و ولایت مرا تا منم این دانه کفایت مرا

(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۵۷)

«البته این «من» گاهی بدل از «ما» و بیان‌گر پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی است که در بهترین حالت خود به

جای خلق و مردم می‌نشیند.» (نصراللهی، خدادوست، ۱۳۹۲: ۳۳)

جهد بسی کرد و شگرفی بسی تا کند از ما به تکلیف کسی

چون من و تو هیچ کسان دهیم بیهده بر دهر چه تاوان نهیم

(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۱۵۸)

نظامی در عصر خود و برای به کرسی نشاندن حرفی که از درون و باطن خود می‌شنود به تصویرسازی‌های منحصر به فردی دست می‌زند. به سخن و اندیشه‌ای که دیگران به کندوکاو درباره آن مشغول‌اند، نمی‌پردازد بلکه موضوع‌ها و مفهومی‌های جدید را پیش می‌کشد. مثل داستان معراج پیامبر اکرم (ص) که از درخشان‌ترین معراج‌نامه‌هاست. نمونه کامل سفر آسمانی و عرفانی که اندیشه شاعر را همواره در خلوت به خود مشغول داشته، توصیفات بدیعی که در آثار خویش، به ویژه در صفحه‌های آغازین مخزن الاسرار از این داستان آورده، نموداری از اشتیاق فراوان او به یافتن راهی به عالم غیب و کشف حقایق است.

با قفس قالب از این دامگاه مرغ دلش رفته به آرامگاه

مرغ الهیش قفس پر شده قالبش از قلب سبکتر شده

(همان، ۱۴)

معراج رسول را طوری به تصویر کشیده که انگار آن را دیده، همچنین رؤیت خداوند، با تعصب تمام معتقد به

رؤیت با چشم سر است.

مطلق از آنجا که پسندیدنیست دید خدا را و خدا دیدنیست...

دید پیمبر نه به چشمی دگر بلکه بدین چشم سر این چشم سر

(همان، ۲۰)

۳-۱-۵- آزادی

آزادی یکی از مهم‌ترین موهبت‌های زندگی بشری است که با زندگی فرهنگی و اجتماعی بشر پیوند خورده است. آزادی مانند دین و عدالت و ... برای انسان‌ها امر مقدسی است. بر این اساس هنرمند هر بخشی از زندگی را که بخواهد می‌تواند آزادانه به تصویر بکشد. بنابر عقیده رمانتیک‌ها نیز باید قانون‌های دست و پاگیر و خشک کلاسیک را از بین برد؛ یعنی «اگر هنرمند به علت فشار جامعه یا بر اثر موهومات عقب رانده‌شد و نیروهای او پنهان و مکتوم ملند حق دارد، درباره جامعه و قانون‌های اخلاقی آن داوری کند و حکم بدهد. محیط و اخلاقی که برای رشد خود او مساعد باشد بوجد آورد» (سیدحسینی، ۱۳۷۱: ۱۸۰).



آزادی از مقوله‌هایی است که اکثر شاعران در آثار خود به آن پرداخته‌اند. این آزادی ممکن است آزادی سیاسی، اجتماعی یا آزادی‌ای که در روان‌درمانی وجود گراها مطرح می‌شود، باشد. نظامی نیز شاعری را رهایی از ابتذال محیط می‌داند به همین منظور با دیدن ستم و بی‌عدالتی خواهان برقراری عدالت است، هشدار می‌دهد؛

خانه بر ملک ستم کاریست دولت باقی ز کم‌آزاری است
(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۸۰)

نظامی از ظلم و ستم حاکم بر جامعه فریاد می‌زند و بی‌آزاری را دلیلی برای پلیداری حکومت معرفی می‌کند. ستم را ویرانگر می‌داند و این بیان شاید به خاطر اوضاع سیاسی و اجتماعی بد جامعه شاعر است که آن را این‌گونه به تصویر کشیده است. این به معنی آزادی و رهایی از تنگناهای اجتماعی است. به نوعی نظامی در مخزن الاسرار از آزادی نفس و رهیدن از بند تعلقات سخن می‌گوید.

رخت رها کن که گران رو کسی کز سبکی زود به منزل رسی
..چون شده‌ای بسته این دامگاه رخنه کنش تا به در افتی به راه
(مخزن الاسرار، ۱۳۵: ۱۳۵)

یا در جای دیگر

...چون خم گردون بجهان در مپیچ آنچه نه آن تو به آن در مپیچ
(همان، ۱۶۰)

۳-۱-۶- کشف و شهود

رمانتیسیم «نوعی درون‌بینی مبالغه‌آمیز است.» (سیدحسینی، ۱۷۹: ۳۷۸) نظامی در خلوت‌های شبانه که «به عبادت، عزلت، ذکر و دم عارفانه پرداخته، از توجه به دل، ایمان، اخلاص و یقین به معرفت رسیده، رموز الهی بر وی گشوده شده، پرده و نقاب کنار رفته، به عشق و عاشقی پرداخته است» (ناصری، ۱۳۸۴: ۱۸۱)

همت از آنجا که نظرها کند خوار مدارش که اثرها کند
..همت چندین نفس بی‌غبار با تو ببین تا چه کند وقت کار
راهروانی که ملایک پی‌اند در ره کشف از کشفی کم نی‌اند
(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۹۲)

«این شاعر سلیم فطره دقیق نظر در عین مبالغه در استفاده از اطلاعات ادبی و علمی خود و یا افراط در تخیل و مبالغه در ایجاد ترکیبات نو ملاحظاتی در سخن و لطافتی در بیان و علوی در معانی دارد.» (صفا، ۱۳۷۹: ۳۵۸)



از حرم خاص‌ترین سرای بانگ درآمد که نظامی درآی
 خاص‌ترین محرم آن در شدم گفست درون آی درون‌تر شدم
 (مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۵۱)

در نهایت می‌گوید آنچه را دیگران در طی سال‌های طولانی کسب کرده‌اند من در یک لحظه کسب کردم.

آنچه به صد عمر کسی یافته هم‌نفسی در نفسی یافته
 (همان، ۶۴)

۳-۱-۷- افسون سخن

رمانتیک‌ها برای سخن ارزش زیادی قائل هستند، از نظر آن‌ها « کلمه تنها بیان‌کننده یک منظور ساده نیست بلکه برای خود ارزش و اهمیت خاصی دارد و باید متوجه مفهوم خیال‌انگیز و ارزش آهنگ آن بود. کلمه عبارتست از سخن و سخن خداست» (سیدحسینی، ۱۳۷۸: ۱۸۱).

جنبش اول که قلم برگرفت حرف نخستین ز سخن درگرفت
 پرده خلوت چو برانداختند جلوت اول به سخن ساختند
 در لغت عشق سخن جان ماست ما سخنیم این طلل ایوان ماست
 (مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۳۹)

بنابر اعتقاد شاعر، سخن اولین شاهدهی است که از خلوت ازل به جلوت درآمده‌است. شاعران به‌وسیله سخن بر ملک طبیعت پادشاهی کرده‌اند. همچنین بزرگان شرع نامه شریعت را به سخن مسجّل و مهمور داشته‌اند، چرا که مدار شرع بر کتاب و سنت است و این هر دو سخنند. همانند رمانتیک‌ها که شعر در نزد آنها برتر است. در نزد نظامی نیز شعر بر نثر ارجحیت دارد.

ملک طبیعت بسخن خورده‌اند مهر شریعت به سخن کرده‌اند
 چونکه نسخه سخن سرسری هست بر گوهریان گوهری
 (همان، ۴۱)

۳-۲- وجه بلاغی

در این وجه، عناصر کاربردی، از جمله، تخیل و تصویر و استعاره و تشبیه و... بررسی می‌شود.

۳-۲-۱- تخیل

بزرگترین مشخصه‌ای که شاعران رمانتیک انگلیسی را از دیگر شاعران قرن ۱۹ متمایز می‌کند، تخیل است. رمانتیک‌ها عنصر بنیادین شعر را تخیل می‌دانند. زیرا بدون تخیل چیزی به نام شعر وجود ندارد. ایمان به تخیل نتیجه ایمان عصر جدید به فردیت و خویشستن انسان بود. تخیل به انسان امکان آفرینش می‌دهد و مجال بیان



وجدانیات شخصی را فراهم می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۷: ۱۱۶). نظامی « جوهر شعر را تخیل می‌داند و کلام مخیل به کلامی می‌گوید که در خواننده انفعال نفسانی ایجاد کند.» (طوسی، ۱۳۲۶: ۵۸۷) مخزن الاسرار او نمایانگر استفاده وسیع از خیال‌های مبتنی بر تشخیص، تشبیه، استعاره و کنایه است. « تصاویری که نظامی ارائه می‌دهد تصاویری است که زندگی رقم نزده، بلکه خود شاعر خلق کرده، کلام شاعرانه، روشنگر وجودی است که همزمان با بیان شاعرانه آفریده می‌شود. یا تخیل که آفرینش واقعیتی نو از راه کلام و در جان کلام است» (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۲۰). تشبیه‌های نظامی زیبا، هنرمندانه و بسیار خیال‌انگیز است. گاهی در شعرهای او با صحنه‌هایی مواجه می‌شویم که قدرت ابداع و ابتکار او را در آفرینش تصاویر شعری به خوبی نشان می‌دهد و با کمک خیال خواننده را به جهان ناشناخته‌ای می‌برد.

گل ز گریبان چمن کرده جای خارکشان دامن گل زیر پای
گردن گل منبر بلبل شده زلف بتفشه کمر گل شده
(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۵۵)

۲-۲-۲- تصویر

زبان نظامی همچون زبان ادبی « زبانی مخیل و تصویری، یعنی مرگب از تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، سمبل و استوره است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۳) « شاعر با تکیه بر همین قدرت تصویرسازی شاعرانه، توانسته با مهارت تمام و بدون ایجاد ملال در خواننده قصه به سرودن شعر و بیان داستان اقدام کند» (فلاح و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۸). به نظر او شعر باید تصویری یعنی مزین به هنرهای بدیعی و بیانی باشد. در مجموع، نظامی شاعری تصویرگراست، « که درد و صافی و زلال و تیره را باهم درآمیخت. شعرش نمایانگر زندگی طبقات مختلف مردم است. زیبایی‌ها و زشتی‌ها را با هم تصویر نموده ... زبانش ساده مشکل‌نما و معجونی از اعتقادات، تجربیات، اصطلاحات و مثل‌های ساکنان کوهپایه‌هاست. همین سادگی بیان، عنایت و احاطت بر پندار و گفتار مردم، سبب شده که استعارات و نوآوری‌های جدید، سنگینی و ابهامی پیش نیاورد، بلکه لطیف و دلنشین گردد» (زنجانی، ۱۳۷۸: ۹۸).

پیر فلک خرقة بخواهد درید مهره گل رشته بخواهد برید
(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۱۲۵)

نظامی با استفاده از ترکیبات و اضافه‌های تشبیهی و استعاره‌های بدیع تصاویر زیبا و خیال‌انگیزی را در ذهن خواننده ترسیم می‌کند. به تصویرسازی‌های منحصر به فردی دست می‌زند، سخن و اندیشه‌ای که دیگران به کندوکاو درباره آن مشغول‌اند، نمی‌پردازد و موضوع‌ها و مفهومی‌های جدیدی را پیش می‌کشد.

لعل طراز کمر آفتاب حله گر خاک و حلی بند آب

(همان، ۳)



شب؛ یکی از تصویرهایی که در مخزن الاسرار به چشم می‌خورد. شب، به زبانی پر از رمز و راز و کنایه تصویر شده، نظامی در آن شب به خلوت می‌نشیند، به تأمل فرومی‌رود. هاتف خلوت او را مخاطب می‌سازد.

طفل شب آهیخت چو در دایه دست زنگله روز فرا پاش بست

(همان، ۴۷)

قدرت شاعر را در تصویر این ابیات می‌بینیم که در عین سادگی، به کمک استعاره، تابلویی در مرز شعر و نقاشی است. تصویر دیگر پریدن عضلات و اعضاء بدن است که در باور عامیانه برای خود تعبیر خاصی دارد. نظامی به این نکته توجه داشته و به وسیله آن تصاویر زیبایی خلق کرده است. (ر، ک؛ زنجانی، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

سر بجهد چونکه بخواهد شکست وین جهش امروز در این خاک هست

(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۱۲۶)

در مصراع دوم وقوع زلزله بزرگی را خبر می‌دهد و معلوم می‌شود در آن اوقات زلزله اتفاق افتاده است. «چنانکه اختلاج اعضای انسان بر پیش آمدهای نیک و بد دلالت دارد و اختلاج سر از شکستن او نشانست جنبش خاک هم دلیل شکستن و برهان پیش آمد قیامت است» (زنجانی، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

در واقع نظامی در مخزن الاسرار، تصویرگراست. برای مثال صحنه خلوت اول که با پروردن و ادب کردن او به وسیله ریاض آغاز می‌شود. تصویری که از خواجه دل ارائه می‌دهد «این خواجه دل از ظلمات جسم بیرون می‌رود و سحرگهان دست نظامی را می‌گیرد و به سوی باغی می‌برد. در این باغ گل به گل و شاخ به شاخ، شتابان به همراه خواجه دل دستور فرود آمدن در این باغ را می‌دهد.» (یوسفی، ۱۳۷۶: ۵۹)

آب روان بود فرود آمدم تشنه روان بر لب رود آمدم

(مخزن الاسرار، ۱۳۲۰: ۵۵)

در ادامه نظامی به وصف باغ که ترکیبی از تصاویر واقعی و خیالی است، می‌پردازد. تصویرهایی از قبیل؛ فاخته به هنگام صبح فریادمی کند، باد قصه گل را بر ورق بید مشک می‌نویسد، لاله به آتشگه راز آمده، آب از لطافت قاقم‌نمای شده، سایه با لب آفتاب سخن می‌گوید و چنگال درآج به خون تذر و آغشته می‌شود، در واقع این یک سفر خیالی است که شاعر با این فضاهای خیالی و شگفت‌انگیز عشق از خودبی خود می‌شود و به توصیف معشوق حقیقت می‌پردازد، تصاویر زیبایی است.

باد نقاب از طرفی برگرفت خواجه سبک عاشقی از سر گرفت

(همان، ۶۰)

۳-۲-۳- استعاره

یکی از زیبایی‌های مخزن الاسرار استفاده فراوان از عناصر تشبیه، استعاره، تشخیص و کنایه است. ابزار شاخص و پرکاربرد نظامی استعاره که تقریباً ۳۶۵ استعاره در مخزن الاسرار وجود دارد.



سنبل او سنبله روزتاب
خنده خوش زان نزدی شکرش
گوه‌ر او لعل‌گر آفتاب
تا نبرد آب صدف گوه‌رش
(مخزن الاسرار، ۲۱:۱۳۲۰)

سنبل؛ استعاره از موی پیامبر. گوه‌ر؛ دندان‌های پیامبر. اکثر استعاره‌های او در مورد خدا و پیامبر است.

۲-۲-۴- تشبیه

از دیگر ابزارهای زیبایی‌آفرین نظامی تشبیه که بسامد آن در مخزن الاسرار، ۲۸۰ است. که واژه به واژه نیست بلکه نوعی تشبیه تفصیلی است که موجب بسط بلاغی کلام می‌شود. بیشتر تشبیه‌های او بلیغ است. مثل، تصویر راحتی و آسانی کار؛

بر سر مویی سر مویی مگیر
ور نه برون آی چو موی از خمیر
(همان، ۱۲۷)

برای تصویر سبک‌روی از عنصر آب استفاده کرده و برای این کار به تشبیه متوسل شده‌است.

آب صفت باش و سبک‌تر بران
کآب سبک هست به قیمت گران
(همان، ۷۵)

تصاویر در این بیت‌ها به گونه‌ای است که در یک‌طرف احساس و در طرف دیگر طبیعت و اشیاء قرار گرفته، نظامی برای ملموس کردن تصاویر بیشتر از تشبیه محسوس به محسوس استفاده کرده، گاهی هم برای عمق بخشیدن به مفاهیم خود از تشبیه معقول به محسوس بهره‌برده‌است.

۲-۲-۴- کنایه

یکی دیگر از ابزار تصویرساز کنایه است. ۷۹ کنایه در این اثر دیده می‌شود. مثل کنایه کشتن و از بین بردن.

شه چو سر از خواب گران برگرفت
آن دو سه تن را ز میان برگرفت
(همان، ۱۵۱)

تصویر جالب ناف افتادن؛ «اگر بار چهارپا بیش از توان او باشد استقامت کمرش از بین می‌رود و از بردن بار کم نیز درمی‌ماند در این حال گویند نافش افتاده‌است. این معنی برای اغلب روستائیان که از چهارپا استفاده می‌کنند معلوم و روشن است» (زنجانی، ۱۳۷۸: ۱۰۶). به همین منظور در این بیت‌ها به کمک کنایه مفهوم خود را بیان می‌کند.

تا کرم‌ت را جهان برگرفت
پشت زمین بارگران برگرفت
گرنه ز پشت کرم‌ت زاده‌بود
ناف زمین از شکم افتاده‌بود
(وحیددستگردی، ۸:۱۳۲۰)

هر آهو که با داغ او زاده‌بود
ز ناقه‌کشی نافش افتاده‌بود
(همان، ۳۶۸)



مرغ زبانی کردن: «صیادان برای شکار بعضی از مرغان تقلید صدای او را می‌کنند. با این حيله پرنده را به سوی دام می‌کشاند. گاهی برای فریب‌دادن کسی، با او نیز با عباراتی که دوست دارد صحبت می‌کنند و مطیع خواست‌های خود قرار می‌دهند» (زنجان، ۱۳۷۸: ۱۱۵).

دام نه‌ای دانه‌فشانی مکن با چو منی مرغ‌زبانی مکن
(وحیددستگردی، ۱۳۲۰: ۸۹)

۳-۲-۴- تشخیص

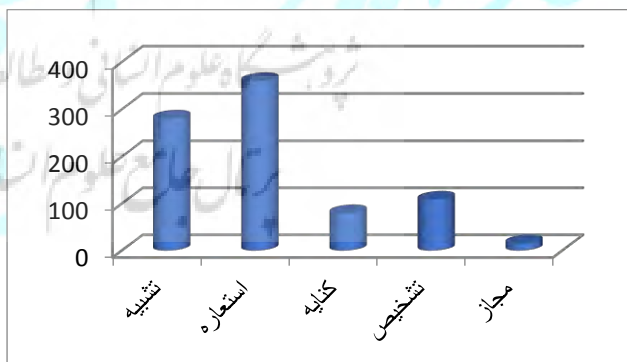
عنصری برای خلق تصاویر است، حدود ۱۰۸ مورد تشخیص در مخزن‌الاسرار به کاررفته‌است. نظامی همه چیز را زنده تصور می‌کند. میان خود و شیء یگانگی احساس می‌کند و احساسات روحی خود را در شیء می‌بیند.

ابری به باغ آمده بازی کنان جامه خورشید نمازی کنان
(همان، ۶۹)

شاعر با استفاده از تخیل خویش به پدیده‌های طبیعی جان بخشیده‌است.

۳-۲-۵- مجاز

صورخیال دیگر، که نسبت به سایر عناصر کمتر به کاررفته، البته به غیر از مجازهای استعاری و کنایی و... تعداد مجاز تقریباً ۱۵ است. صور ابداعی نظامی زیاد و متنوع است در واقع «بر اثر نگرشی دقیق و احساسی عمیق و خلاقیت شعری تشبیهات و استعارات و کنایاتی آورده که در نوع خود کم‌نظیر است» (زنجان، ۱۳۷۷: ۶۰). میزان صورخیال موجود در مخزن‌الاسرار را می‌توان به صورت زیر نشان داد.



تصاویری که نظامی در مخزن‌الاسرار ارائه می‌دهد هم پویا و هم ایستا هستند تصاویری که در آنها وضع پایدار

چیزی تصویر و نمایانده شده‌است را تصویر ایستا می‌نامیم» (زنجان، ۱۳۷۷: ۷۹)

بر صفت شمع سرافکننده باش روزفرو مرده و شب زنده‌باش

(مخزن‌الاسرار، ۱۳۲۰: ۴۵)



« تصاویری که در آنها وضع حرکت و سرعت چیزی نمایانده شده است. تصویر پویا می‌نامیم.» (زنجانی، ۱۳۷۷: ۷۹)
 لاله ز تعجیل که بشتافته از تپش دل خفقان یافته
 (مخزن الاسرار: ۵۷، ۱۳۲۰)

پویایی تصویر در این ابیات حاصل پیوند میان عبارات و عناصر طبیعی است، عناصری که جنبش و حرکت، جزئی از سرشت آنها محسوب می‌شود. با توجه به اینکه شعر رمانتیک، شعر طبیعت، زنده و پویاست، نظامی هم شاعری « که با طبیعت زیسته و با آن هم‌جوش و هم‌سو شده، شعرش مثل طبیعت زنده و پویا است» (فتوحی، ۱۳۹۷: ۱۳۵) و با استفاده از صورخیال تصاویر پویا خلق کرده است. « زندگی عامه مردم را به تصویر آورده و آینه‌ای ساخته که هر کس خود و زندگی خویش را در آن می‌بیند، تصویری داده واضح و حقیقی، نه مجازی، نه سمبولیک» (زنجانی، ۱۳۷۸: ۹۸).

۴- نتیجه

بررسی و تحلیل مخزن الاسرار نشان می‌دهد که برخی وجوه رمانتیسم از جمله طبیعت‌گرایی، عشق، آزادی، هیجان و احساسات، ضمیر ناآگاه در این اثر نمود دارد. نظامی به مانند رمانتیسم‌ها شاعر طبیعت است. با استفاده از عناصر طبیعت مانند آب، گل، گیاه، دشت و صحرا برای ساختن ترکیبات و تصاویر نو و بکر بهره‌برده، با هر آنچه در طبیعت وجود دارد، پیوند برقرار کرده، تا حدی که بیت به بیت شعرش جلوه‌های مختلف طبیعت آشکار است، حتی برای ایجاد فضا و صورخیال شعرش از عناصر طبیعت استفاده می‌کند. طبیعت برای او در حکم موجود زنده‌ای است که با آن همدلی و یگانگی دارد، حالات درونی خود یعنی غم، اندوه و شادی را با آن بیان می‌کند. طبیعت زمینه‌ای برای الهام شاعر و احساسات، تخیلات و اندیشه‌های اوست. به بیان آزاد احساسات و هیجانات، غم و اندوه خود، که ناشی از هجران معشوق ازلی، ناکامی‌ها، شکست‌ها و یا شکایت از ابنای زمانه است، پرداخته است.

نظامی همچون رمانتیسم‌ها معتقد است که خداوند انسان را به خاطر عشق آفریده و زندگی بدون آن ارزشی ندارد. البته این عشق مفهوم بسیار وسیعی دارد و از عشق خود به معشوق ازلی می‌گوید. وی همانند هنرمند رمانتیک پای‌بندی کشف و شهود و درون‌بینی است. تخیل، امید، آرزو و معجزه‌ها را جان‌نشین حقیقت می‌سازد و بیشتر از تقلید پای‌بند تصور است. او از طریق کاوش در ذهن خود به دنبال کشف ناشناخته‌هاست. غلبه جهان ذهنی بر جهان واقعی که از ویژگی‌های شاخص رمانتیسم‌هاست، در مخزن الاسرار به وفور دیده می‌شود. نظامی با استفاده از عنصر خیال موفق به خلق تصویرهای زنده شده است، نهایت دقت را در به تصویر کشیدن صحنه‌ها به



کارگرفته، برای محو مرزهای میان انسان و طبیعت، لندیشه و شیء و محو مرز زبان و جهان واقعی به مانند رمانتیسیم‌ها از استعاره با ظرفیت بالا استفاده کرده‌است.

بسامد استعارهٔ مکنیه و تشخیص در مخزن‌الاسرار بسیار بالا است. مخزن‌الاسرار شامل ۲۲۸۸ بیت، ۳۶۵ استعاره، ۲۸۰ تشبیه، ۷۹ کنایه، ۱۰۸ تشخیص و ۱۵ مجاز است. این آمار نشان‌دهندهٔ تصویرگرا و درون‌نگر بودن آن است. علاوه بر این بسامد استعارهٔ خدا، پیامبر، انسان، دنیاگریزی، دل، بیش از موضوعات دیگر است.





منابع

- انزایی نژاد، رضا، (۱۳۸۴)، *پرده سحر سحری (گزیده مخزن الاسرار)*، تهران: جامی.
- باوره موریس (۱۳۹۰)، «تخیل رمانتیک»، ترجمه فرحید شیرازیان، ارغنون، شماره دوم
- برلین، آیزایا، (۱۳۸۵)، *ریشه‌های رمانتیسم*، ترجمه عبدالله کوثری. تهران: ماهی.
- پریستلی، جی. بی (۱۳۹۳)، *سیری در ادبیات غرب*، ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: امیرکبیر.
- ثروت، منصور (۱۳۸۵)، *آشنایی با مکتب‌های ادبی*، تهران: سخن.
- جعفری، جزی، مسعود (۱۳۷۸)، *سیر رمانتیسم در اروپا*، تهران: مرکز.
- حمیدیان، سعید. (۱۳۸۸)، *آرمانشهر زیبایی*، چ ۲ تهران: علم و دانش.
- دومن، پل (۱۳۷۳)، *رمانتیسم*، ترجمه میترا رکنی، ارغنون، سال اول.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳)، *پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد*، چ ۶، تهران: سخن.
- زنجانی، برات، (۱۳۷۷)، *صورخیال در خمسه نظامی*، چ ۱، تهران: امیرکبیر.
- زنجانی، برات، (۱۳۷۸)، *احوال آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی*، چ ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- سیدحسینی، رضا. (۱۳۷۱)، *مکتب‌های ادبی*. ج ۱، ویرایش دو. تهران: نگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، *معانی و بیان*، چ ۵، تهران: فردوس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، *نقد ادبی*، چ ۴، تهران: فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹)، *تاریخ ادبیات ایران* چ ۱، تهران: فردوس.
- طوسی، خواجه‌نصیرالدین (۱۳۲۶)، *اساس الاقتباس*، تصحیح مدرس رضوی، تهران: سخن.
- عباسی، علی (۱۳۹۰)، *ساختارهای نظام تخیل از منظر ژیلبر دوران*، تهران: علمی فرهنگی.
- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۷)، *بلاغت تصویر*، چ ۵، تهران: سخن.
- فلاح، غلامعلی. ماهیار، عباس، میرهاشمی، سیدمرتضی. سلیمانی، صدیقه (۱۳۸۸)، *تصویر دل در مخزن الاسرار نظامی گنجوی*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۷، شماره ۶۵.
- فورست، لیلیان (۱۳۷۶)، *رمانتیسم*، ترجمه مسعود جعفری جزی، چ ۲، تهران: مرکز.
- مدی، ارژنگ. (۱۳۷۱)، *عشق در ادب فارسی از آغاز تا قرن ششم*، تهران: رشد.



- وان تیژم، فلیپ (۱۳۷۰)، **رمانتیسیم در فرانسه**، ترجمه دکتر غلامعلی سیار، چ ۱، تهران: بزرگمهر.
- محمدپور، محمدمین، باباصفری، علی اصغر (۱۳۹۴). **بررسی ویژگی‌های محتوایی رمانتیسیم در شعر هوشنگ ابتهاج**، مطالعات زبانی- بلاغی سال ۶- شماره ۱۱ بهار و تابستان، صص ۱۲۱-۱۴۲.
- مؤحد، عبدالحسین (۱۳۶۷) **اشارات‌ها و بشارت‌ها**، تهران: امیرکبیر.
- ناصری تازه‌شهر، ناصر (۱۳۸۴)، **تجلی عرفان و تصوف در مخزن الاسرار نظامی**، (فصلنامه ادبیات فارسی)، شماره ۳، صص ۱۶۶-۱۹۰.
- نصراللهی، یدالله. خدادوست، کلثوم، (۱۳۹۲). **رمانتیسیم در شعر منوچهر آتشی**، بهارستان سخن، (فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات فارسی)، سال نهم شماره ۲۱ بهار، صص ۲۳-۳۶.
- نظامی گنجوی، حکیم ابومحمدالیاس بن یوسف... (۱۳۲۰)، **مخزن الاسرار حکیم نظامی گنجوی (سخن سالار شعرای ایران)**، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، چ ۲، تهران: ارمغان.
- نظامی گنجوی، حکیم ابومحمدالیاس بن یوسف (۱۳۸۶)، **خسرو و شیرین حکیم نظامی گنجه‌ای**، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- یوسفی، غلامحسین، (۱۳۷۳)، **چشمه روشن**، چ ۵، تهران: علمی.
- یوسفی، حسینعلی، (۱۳۷۶)، **کعبه جان**، مشهد: آستان قدس رضوی.



A Study of Romantic Aspects in the "Nezami's Makhzan al -asrar "

Leila azarnuivar¹Ramin Moharami²

ABSTRACT

According to the belief of romanticists, there are aspects of human existence, especially aspects of inner life, which have been completely ignored. For this reason, the speakers of the school of romanticism used inner feelings to create literary works. From the point of view of the romantic poet, the duty of poetry is only to influence the audience, not to convey a message, explain and arrange thoughts. Due to the introspection and visual nature of Nizami's works, especially Makhzan al-Asrar, he can be considered an Iraqi style poet with romantic aspects. The main goal and problem of the current research is to investigate the prominent aspects and coordinates of the school of romanticism in the military secret repository, to show which aspects of the romanticism school are more effective in the military secret repository and what is the context of the occurrence of these aspects? In this research, with analytical-descriptive method, based on library study, the analysis of Makhzan al-Asrar was analyzed based on romantic aspects and dimensions, while expressing the contexts of romantic thought such as; Naturalism, love, discovery and intuition, etc., have been investigated in Makhzan al-Asrar, with an emphasis on images such as similes and metaphors. The result of the research shows that some aspects of romanticism such as naturalism, love, freedom, etc. are reflected in this work. In fact, Nizami has been able to create vivid images by using the elements of nature and imagination. Also, Nizami has used metaphor with high capacity to erase the boundaries between man and nature, thought and object, and to erase the boundary between language and the real world, just like romanticisms. Therefore, the frequency of the metaphor of Makaniyyah, simile, and recognition is high in Makhzan al-Asrar. This shows that Makhzan al-Asrar is pictorial and introspective like the school of romanticism.

Key words: Nezami, Makhzan al -asrar, Romanticism, simile, Metaphor, love, Nature.

¹ . phd student mohagheg Ardabili university, Ardabil,Iran.(Corresponding author) // leilaazarnivar@yahoo.com

² . Professor of Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.// moharami@uma.ac.ir